

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۳۰

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۶

بررسی پیش‌گویی‌های عهدین درباره کشتارهای جمعی پیش از ظهور مسیح

حسن دین پناه^۱

امیر خواص^۲

چکیده

در نگاه برخی ادیان، کشتار جمعی و فراگیر از مقدمات ظهور منجی به شمار می‌رود. چنین رخدادی پیش از ظهور مسیح ﷺ، در قسمت‌های مختلف عهدین، به‌ویژه مکاشفه یوحنا در عهد جدید، پیش‌گویی شده است. برخی گروه‌های مسیحی (کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها)، از فقرات عهدی‌نی مربوط به این پیش‌گویی، تفسیر روحانی و غیرتحت‌اللفظی دارند و اساساً مخالف کشتار جمعی‌اند و برخی دیگر (پروتستان پیوریتان)، تفسیر عینی و تحت‌اللفظی دارند و بر این باورند که رنج عظیم کشتار گسترده، بخشی از طرح آسمانی برای فراهم آمدن بازگشت دوباره مسیح است. از این رو، دعا و تلاش برای رخ دادن و تسریع در این نبرد همه‌جانبه و منع صلح را در دستور کار دارند. نوشتار حاضر با رویکردی تحلیلی، این موضوع را بررسی می‌کند. تحقیق نشان می‌دهد، هرچند عهدین از وقوع کشتار جمعی پیش از ظهور مسیح ﷺ خبر می‌دهند، این اما اندیشه که فراهم کردن مقدمات وقوع این نبرد، تکلیف فردی یا گروهی باشد، با فقرات عهدین سازگار نیست.

واژگان کلیدی

بازگشت مجدد مسیح، حارم‌جدون، کشتار جمعی، دجال، پیش‌گویی‌های عهدین، پیوریتان، صهیونیسم مسیحی.

۱. دانشجوی دکتری ادیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ قم (نویسنده مسئول) (hasandinpanah@gmail.com).

۲. دانشیار و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ قم.

مقدمه

پیش از مسیحیت در میان زرتشتیان، هندوان و یهودیان، شایع و رایج بود که هرگاه وضع اجتماعی به بدترین صورت درآید، جنگ و مصیبت فراگیر می‌شود و منجی («سوشیانت» در زرتشت، «ویشنو» در هندو و «مسیح» در یهود) ظهور خواهد کرد. مسیحیت نیز از این اعتقاد اثر پذیرفت (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۹۶).

برخی مکاتب مسیحی با استناد به فقراتی از کتاب مقدس، مانند حزقیال، اشعیا، دانیال، زکریا و مکاشفه یوحنا بر این باورند که در دوره آخرالزمان هستیم و خداوند از ازل مقرر کرده است که مردمان این نسل به جای تلاش برای صلح، باید طالب جنگ و خون‌ریزی باشند، تا زمینه ظهور مجدد مسیح و حکم‌رانی هزارساله او در زمین فراهم شود (هال سل، ۱۳۸۴: ۵۰-۶۹).

در این نوشتار در پی آنیم که آیا دیدگاه کشتارهای جمعی پیش از ظهور مسیح، منطبق بر کتاب مقدس (عهدین) است یا این که عهدین نسبت به این باور ساکت‌اند؟ ضرورت تحقیق در این مسئله، برای دستیابی به این مطلب است، که آیا این متن دینی، در ایجاد و شکل‌گیری این باور، نقشی دارد و یا به سود آن مکاتب، سخنی بیان کرده است، یا این که صرفاً از رخ داده‌های پیش از ظهور خبر می‌دهد؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا توضیحی مختصر درباره مفاهیم مسیحا و بازگشت دوباره او، علائم ظهور او و مفهوم کشتار جمعی خواهیم داد و در ادامه، مسئله کشتار جمعی در عهدین و تفاسیر موجود در این زمینه را بررسی می‌کنیم.

مسیحا^۱ و بازگشت مجدد او

«مسیحا»، که واژه عبری آن «ماشیح» است، در زبان عبری به «مسح شده با روغن مقدس» معنا شده و در اصطلاح، به پادشاهان آسمانی یهود اطلاق می‌شود که برای بر تخت نشستن، به دست نبی تدهین و روغن مالی می‌شدند (اول سموئیل، ۱۰: ۱؛ کهن، ۱۳۵۰: ۳۵۲). به تدریج، پس از ویرانی و پراکندگی یهودیان، اعتقادی میان آنان رایج شد که پادشاهی در آینده خواهد آمد و پادشاهی اسرائیل را احیا و اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان برمی‌گرداند و این پادشاه آینده را «مسیحا» نامیدند. این سنت، از دین یهود به مسیحیت راه یافت. بدین ترتیب، آنان به ظهور دوباره عیسی علیه السلام در آخرالزمان معتقد شدند و او

1. Messiah.

را «مسیحا» نامیدند (رینگر، ۱۹۸۷: ج ۹، ۴۶۹).

«بازگشت مجدد مسیح^۱ (پاروسیا)^۲» از آموزه‌های مهم الهیاتی در مسیحیت به شمار می‌رود. «بازگشت نهایی مسیح برخاسته از مردگان، تاریخ بشر را به پایان خواهد رساند» (سیروک، ۲۰۰۳: ج ۱۰، ۸۹۴، به نقل از قاسمی، بهار ۱۳۹۰، ۲۴). بنابراین آموزه، همان‌گونه که آغاز ملکوت خدا ریشه در تجسد عیسی مسیح علیه السلام داشت، کامل شدن نقشه نجات الهی نیز در گرو آمدن دوباره اوست. گاهی از زمان بازگشت مسیح، به «روز خداوند» یا «روز داوری» هم تعبیر شده است، که به کارکرد مسیح در زمان بازگشت، یعنی داوری بین ابرار و اشرار اشاره دارد (ر.ک: دوم‌تسالونیکیان، ۴: ۲؛ متی، ۳۱: ۲۵-۴۶؛ اول‌قرنتیان، ۵: ۴؛ دوم‌تسالونیکیان، ۷: ۱-۱۰؛ اول پطرس، ۱: ۱۳؛ تیسس، بی‌تا، ۳۲۷ به بعد).

هیچ متألّهی را در مسیحیت نمی‌توان یافت که منکر این آموزه باشد. این آموزه در کتاب مقدس بیش از سی صدبار ذکر شده است و چندین باب کامل از اناجیل به این موضوع اختصاص دارد (متی، ۲۴-۲۵؛ مرقس، ۱۳؛ لوقا، ۲۱). رساله‌هایی در کتاب مقدس، مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان و نیز کتاب مکاشفه یوحنا، در همه ابواب خود تنها به تفسیر و تبیین همین آموزه پرداخته‌اند (ر.ک: صادق‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۴۳). براساس این آموزه، مسیح دوباره با جلال و شکوه، به منزله پسر داوود در آخرالزمان می‌آید و پس از غلبه و سیطره بر باطل و شرّ، برنامه نجات، صلح و سعادت را در جهان اجرا خواهد کرد؛ به گونه‌ای که پس از آن، جنگ و خون‌ریزی از جهان رخت برمی‌بندد و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید (اشعیا، ۴: ۲؛ متی، ۲۴: ۳۰-۳۱ و ۲۵: ۳۱-۴۶؛ لوقا، ۱: ۳۲؛ مزامیر، ۸۹: ۳-۴ و ۳۷-۲۰؛ دوم‌تسالونیکیان، ۱: ۵-۹).

نشانه‌های ظهور مسیح

از نگاه عهدین، ظهور دوباره مسیح در آخرالزمان، علائمی دارد که در زمین و آسمان پدیدار می‌گردد و تا زمانی که این امور واقع نشوند، ملکوت خدا و مسیح محقق نمی‌شود (لوقا، ۲۱: ۳۱-۳۲). دانیال و ارمیا، از عهد عتیق و مرقس، از عهد جدید می‌گویند: «چنان زمان بسیار سختی خواهد آمد، که از ابتدای خلقت تا آن موقع مانند این مصیبت نبوده است» (دانیال، ۱۲: ۱؛ ارمیا، ۳۰: ۵-۷؛ مرقس، ۱۳: ۱۹). عهدین، نام آن دوره را «مصیبت و هلاکت عظیم^۳» و

1. Second Coming.
2. Parousia.
3. Great Tribulation.

«ظهور خشم خدا بر ساکنان زمین» می‌نهد (اشعیا، ۲۴: ۱۷-۲۱؛ زکریا، ۱۴: ۱-۳).

مهم‌ترین نشانه‌های این دوره عبارت‌اند از: پُرشدن دنیا از فساد و ظلم، ظهور دجال^۱ (دشمن مسیح)، وقوع جنگ‌ها، ویرانی و آشوب‌های عالم‌گیر در میان اقوام جهان، گِرد هم آمدن پادشاهان زمین در مکانی به نام «حازَمَجِدون» (میدان جنگ آخرالزمان) و درگیری پیروان دجال با نیروهای الهی و وقوع کشتار گسترده - به گونه‌ای که هفت ماه طول می‌کشد تا کشتگان را جمع کرده و دفن کنند-، تحولات بزرگ کیهانی مانند باریدن خون و آتش از آسمان، خونین و زهرآگین شدن دریاها و رودها، تاریک شدن خورشید، ماه و ستارگان، روی دادن زلزله‌ها و لرزش زمین و آسمان، بروز فتنه‌ها و بلاهای عظیمی چون بیماری و مرگ، قحطی و خشک‌سالی و اغتشاش‌ها در جهان و... (حزقیال، ۳۹: ۱۱-۱۵؛ متی، ۲۴: ۶-۹؛ مرقس، ۱۳: ۷-۸ و ۲۴-۲۷؛ لوقا، ۲۱: ۵-۳۳؛ اول تسالونیکیان، ۵: ۳؛ عبرانیان، ۱۲: ۲۶؛ اول یوحنا، ۲: ۱۸-۲۳؛ مکاشفه، باب‌های ۶، ۷، ۱۵ و ۱۶: ۱-۱۶).

از نگاه کتاب مقدس، لطف الهی در این امور آن است که آن دوران را، که تمام هشدارهای انبیا محقق می‌شود (لوقا، ۲۱: ۲۲)، به خاطر برگزیدگانی که انتخاب نموده است، کوتاه قرار داد و در غیر این صورت، هیچ بشری نجات نمی‌یافت (مرقس، ۱۳: ۲۰). از این رو، رسولان حضرت عیسی علیه السلام، مردم را دعوت می‌کردند که هنگام مواجهه با این مصائب، صبر کنند و دل‌های خود را قوی سازند (یعقوب، ۵: ۱-۷).

کشتار جمعی

کشتار جمعی یا قتل عام^۲، به کشتار چندین نفر یا بیشتر مردم اطلاق می‌شود، که معمولاً در یک زمان و یا در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی واقع شود (آگراول، ۲۰۰۵: ج ۳، ۲۱۶). فقرات کتاب مقدس، بیان‌گر گزارش‌های مکرری از قتل عام است، که توسط انبیای بنی‌اسرائیل صورت گرفته است. از نگاه مسیحیان، گستره مفهوم جنگ از عداوت مار (شیطان) با خداوند در باغ عدن (پیدایش، ۳: ۱ و ۱۴-۱۵) آغاز و تا کارزار نهایی میان خیر و شر (مکاشفه، ۱۲: ۹ و ۲۰: ۷-۱۰) ادامه خواهد یافت. انسان‌هایی که همچون آدم به تبعیت از شیطان (مار) می‌پردازند، نیز به نوبه خویش در مقابل خداوند می‌ایستند. تمامی جنگ‌های بنی‌اسرائیل با اقوام مختلف، که به دستور خداوند و با زعامت حضرت موسی و یوشع علیه السلام موظف به قتل عام آنان شدند، بر همین اساس و در همین چهارچوب قابل درک خواهند بود؛ جنگ‌هایی مانند قتل عام تمام

1. Antichrist.
2. Mass Murder or Massacre.

شهرها و مردم اعم از مرد و زن، بزرگ و کوچک در سرزمین حشبون به دستور حضرت موسی عليه السلام (تثنیه، ۲: ۳۱-۳۴)، یا کشتار وسیع تمامی مردان، زنان و کودکان و صرفاً زنده گذاشتن دختران باکره در سرزمین مدیان به دستور حضرت موسی عليه السلام (اعداد، ۳۱: ۷-۱۸)، یا کشتار گسترده مردم سرزمین‌های اریحا، لبنه، عای، مقیده و... به رهبری حضرت یوشع عليه السلام (یوشع، ۶: ۲۱ و ۸: ۲۶ و ۱۰: ۲۸ و ۳۰ و ۳۲).

به اعتقاد مسیحیان، جنگ با این ملت‌ها و پرستندگان بت‌ها و حتی تمامی کسانی که در مقابل بنی‌اسرائیل مقاومت می‌نمایند، در حکم جنگ با دشمنان خداوند خواهد بود (مانتول بنو، ۲۰۰۳: ج ۱۴، ۶۳۴). براساس آموزه‌های کتاب مقدس، هنگام خروج بنی‌اسرائیل از مصر و ساکن شدن در ارض موعود، خداوند درباره ساکنان بومی این سرزمین می‌فرماید: «اما از شهرهای این امت‌هایی که بی‌هوه خدایت تو را به ملکیت می‌دهد، هیچ ذی‌نفس را زنده نگذار؛ بلکه ایشان را... بالکل هلاک ساز» (تثنیه، ۲۰: ۱۶-۱۷).

مهم‌ترین پیش‌گویی‌های عهدین دال بر کشتار جمعی پیش از ظهور

کتاب مقدس مسیحیان از دو بخش عهد قدیم و عهد جدید تشکیل شده است. ما نیز براساس مدعای طرفداران پیش‌گویی‌های عهدین درباره کشتار جمعی پیش از ظهور مسیح، به ترتیب پیش‌گویی‌های عهد عتیق و عهد جدید را ارائه می‌کنیم:

پیش‌گویی‌های عهد عتیق

فقرات مختلفی از عهد عتیق از دردها و اضطراب و وحشت‌ناک آخرالزمان سخن می‌گویند. از نگاه الهی‌دانان مسیحی، هرچند عهد عتیق از نظر زمانی بر عهد جدید مقدم است، ارزش ذاتی عهد جدید بر عهد عتیق تقدم دارد (آگوستین، ۱۳۹۱: ۹۱۸). از این رو، عهد عتیق در باور آنان، براساس نگرش موجود در عهد جدید مطالعه می‌شود و بدون پذیرش عهد جدید، عهد عتیق مرجعیتی ندارد (لین، ۱۳۸۰: ۴۷۵). براساس همین مبنا، به فقرات ذیل بر موضوع کشتار جمعی پیش از ظهور مسیح پرداخته می‌شود:

۱. نبرد حارمجدون

در آن روز ماتم عظیمی مانند ماتم هَدَرْمُون در همواری مَجْدُون در اورشلیم خواهد بود (زکریا، ۱۲: ۱۱).

(در آن ایام) آیات را از خون و آتش و ستون‌های دود در آسمان و زمین ظاهر خواهیم

ساخت. آفتاب به تاریکی و ماه به خون مبتدل خواهند شد پیش از ظهور یوم عظیم و مهیب یهوه (یوئیل، ۲: ۳۰-۳۱).

زیرا که شمشیر من در آسمان سیراب شده است؛ و اینک برادوم و بر قوم مغضوب من برای داوری نازل می شود. شمشیر یهوه پر خون شده و از پیه فربه گردیده است یعنی از خون بره ها و بزها و از پیه گرده کوچ ها (اشعیا، ۳۴: ۵-۶).

اینک روز یهوه می آید و غنیمت تو در میانت تقسیم خواهد شد؛ و جمیع امت ها را به ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهیم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود و زنان را بی عصمت خواهند کرد و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت و بقیه قوم از شهر منقطع نخواهند شد (زکریا، ۱۴: ۱-۲).

و از میان دود ملخ ها به زمین برآمدند و به آنها قوتی چون قوت عقرب های زمین داده شد و بدیشان گفته شد که ضرر نرسانند نه به گیاه زمین و نه به هیچ سبزی و نه به درختی بلکه به آن مردمانی که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند؛ و به آنها داده شد که ایشان را نکشند بلکه تا مدت پنج ماه معتب بدانند و اذیت آنها مثل اذیت عقرب بود وقتی که کسی را نیش زند؛ و در آن ایام مردم طلب موت خواهند کرد و آن را نخواهند یافت و تمثالی موت خواهند داشت اما موت از ایشان خواهد گریخت (مکاشفه یوحنا، ۹: ۳-۷).

براساس برداشت هال لیندسی (کشیش بنیادگرای پروتستان)، این ملخ ها و دم عقرب، هلی کویپترهای کبرا هستند که از دم خودشان نوعی گاز فلج کننده اعصاب پخش می کنند (هال سل، ۱۳۸۰: ۵۲).

سلطان تعالی یهوه می گوید: در آن روز یعنی در روزی که جوج به زمین اسرائیل برمی آید، همانا حلت خشم من به بینی ام خواهد برآمد؛ زیرا در غیرت و آتش خشم خود گفته ام که هرآینه در آن روز تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد؛ و ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که بر زمین می خزند و همه مردمانی که بر روی جهان اند به حضور من خواهند لرزید و کوه ها سرنگون خواهد شد و صخره ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید (حزقیال، ۳۸: ۲۰-۱۸).

کلاید (تاریخ دان و فارغ التحصیل کالج و ساکن تل آویو) می گوید، فقرات باب ۳۸ و ۳۹ حزقیال نبی، در مقام توصیف جنگ هسته ای و سلاح های تاکتیکی هسته ای هستند، که همه دنیا را ویران خواهد کرد (هال سل، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۶). وی در توصیف این جنگ، به فقره زیر استناد می کند (هال سل، ۱۳۸۰: ۶۸):

و این بلایی خواهد بود که یهوه بر همه قوم‌هایی که با اورشلیم جنگ کنند، وارد خواهد آورد. گوشت ایشان در حالتی که بر پاهای خود ایستاده‌اند، کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گذاخته خواهد گردید و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت (زکریا، ۱۴: ۱۲).

جری فال‌ول (تعلیم‌دهنده پیش‌گویی‌های کتاب مقدس)، در آثار مکتوبش با استناد به فقرات فوق، از نبرد حارمجدون، که مرکز آن شهر اورشلیم و وادی جزرال خواهد بود، به «آزمایش سخت» تعبیر می‌کند و می‌گوید چنان خون‌ریزی و ویرانی به بار خواهد آمد که همه جنگ‌های پیش از آن بی‌اهمیت خواهند بود. میدان این نبرد، از مجدو در شمال تا اِدوم در جنوب، فاصله‌ای حدود ۲۰۰ مایل کشیده شده است و از دریای مدیترانه در غرب تا تپه‌های موآب در شرق، فاصله‌ای حدود ۱۰۰ مایل خواهد بود (هال سل، ۱۳۸۰: ۵۵-۶۳).

۲. کشتار جمعی و فراگیر

و یهوه می‌گوید که در تمامی زمین دو حصه منقطع شده خواهند مرد و حصه سوم در آن باقی خواهد ماند و حصه سوم را از میان آتش خواهیم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره، قال خواهیم گذاشت و مثل مصفی ساختن طلا ایشان را مصفی خواهیم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده خواهیم گفت که ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که یهوه خدای ما می‌باشد (زکریا، ۱۳: ۸-۹).
و در آن روز موضعی برای قبر در اسرائیل یعنی وادی عابریم را به طرف مشرق دریا به جوج خواهیم داد؛ و راه عبورکنندگان را مسدود خواهد ساخت؛ و در آن جا جوج و تمامی جمعیت او را دفن خواهند کرد و آن را وادی هامون جوج خواهند نامید؛ و خاندان اسرائیل مدت هفت ماه ایشان را دفن خواهند کرد تا زمین را طاهر سازند؛ و تمامی اهل زمین ایشان را دفن خواهند کرد؛ و سلطان تعالی یهوه می‌گوید: روز تمجید من نیکنامی ایشان خواهد بود؛ و کسانی را معین خواهند کرد که پیوسته در زمین گردش نمایند؛ و هم‌راه عبورکنندگان آنانی را که بر روی زمین باقی مانده باشند دفن کرده آن را طاهر سازند. بعد از انقضای هفت ماه آنها را خواهند طلبید؛ و عبورکنندگان در زمین گردش خواهند کرد؛ و اگر کسی استخوان آدمی بیند، نشانی نزد آن برپا کند تا دفن کنندگان آن را در وادی هامون جوج مدفون سازند (حزقیال، ۳۹: ۱۱-۱۵).

براساس فقرات فوق، دو سوم از اهل زمین کشته خواهند شد؛ به گونه‌ای که هفت ماه طول می‌کشد تا کشتگان را جمع کرده و دفن کنند. فال‌ول با استناد به همین فقرات می‌گوید در این نبرد، میلیون‌ها یهودی دین‌دار کشته خواهند شد و تنها باقی‌ماندگان از آنها با سجده در برابر

مسیح، نجات خواهند یافت (هال سل، ۱۳۸۰: ۵۴-۵۵).

و تو را برمی گردانم و رهبری می نمایم و تو را از اطراف شمال برآورده بر کوه های اسرائیل خواهم آورد؛ و کمان تو را از دست چپ انداخته تیرهای تو را از دست راست خواهم افکند؛ و تو و همه افواجت و قوم هایی که همراه تو هستند بر کوه های اسرائیل خواهید افتاد و تو را به هر جنس مرغان شکاری و به حیوانات صحرا به جهت خوراک خواهم داد (حزقیال، ۳۹: ۲-۴).

و اما تو ای پسر انسان! سلطان تعالی بیهوه چنین می فرماید که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آید. قربانی عظیمی بر کوه های اسرائیل تا گوشت بخورید و خون بنوشید. گوشت جباران را خواهید خورد و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید. از قوچ ها و بره ها و بزها و گاوها که همه آنها از پرواری های باشان می باشند؛ و از قربانی من که برای شما ذبح می نمایم پیه خواهید خورد تا سیر شوید و خون خواهید نوشید تا مست شوید؛ و سلطان تعالی بیهوه می گوید که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد؛ و من جلال خود را در میان امت ها قرار خواهم داد و جمیع امت ها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد مشاهده خواهند نمود (حزقیال، ۳۹: ۱۷-۲۱).

فال ول می گوید، حدود ۲۶ قرن پیش، حزقیال نبی (۳۸: ۲-۸) پیش گویی کرده است که «رُوش» (ترجمه رسمی آمریکایی آن «روسیه» است) با متفقان خود، یعنی ایران (پارس)، شمال و جنوب آفریقا و اروپای شرقی و... پیش از ظهور مجدد مسیح، از شمال فلسطین قیام خواهد کرد. دو فقره اخیر، بیانگر پیش گویی تهاجمی از سوی شوروی به اسرائیل هستند، که پنج ششم (۸۳ درصد) سپاهیان روسی، هلاک خواهند شد و نخستین مهمانی مهیب خداوند آغاز می شود (هال سل، ۱۳۸۰: ۵۸-۶۳).

پیش گویی های عهد جدید

در میان نوشته های عهد جدید، اطلاعات و تصویر کامل وقایع آخرالزمان و کشتاری که در حارمجدون صورت می گیرد، در مکاشفه یوحنا آمده است (هال سل، ۱۳۸۰: ۴۱؛ عدلی، ۱۳۸۹: ۱۸۴). از این رو، بسیاری از مسیحیان معاصر برای نشان دادن پایان جهان و تأمل درباره آن چه عیسی علیه السلام پس از رجعت دوباره برای حکم کردن بر مردم انجام می دهد، از مکاشفه یوحنا استفاده می کنند (ویور، ۱۳۸۱: ۷۶). مکاشفه، تماماً مشتمل بر مضامین پیش گویانه



مطابق با مضامین کتاب‌های عهد عتیق، همانند اشعیاى نبی، ارمیای نبی، دانیال نبی و حزقیال نبی است (کلباسی، ۱۳۸۸: ۸۳). از آن‌جا که نوشتار پیش‌روی، گنجایش تفصیلی فقرات مکاشفه را ندارد، به بیان برخی فقرات مربوط به پیش‌گویی کشتارهای جمعی پیش از ظهور مسیح، در ضمن فقرات دیگر از عهد جدید، اکتفا می‌کنیم:

۱. نبرد حارمجدون

وایشان را به موضعی که آن را در عبرانی حارمجدون می‌خوانند، فراهم آوردند (مکاشفه یوحنا، ۱۶: ۱۶).

جری فال‌ول در موعظه دوم دسامبر ۱۹۸۴، پس از قرائت فقره فوق اعلام کرد، این سخن در قلب مردم ترس می‌پراکند! آخرین بار، نبردی پیش می‌آید، سپس خداوند همه کیهان را در اختیار خود می‌گیرد (هال سل، ۱۳۸۰: ۵۴-۵۶).

مکاشفه یوحنا در باب‌های ۶، ۷، ۸، ۲۱ و ۲۲ می‌گوید، خداوند آسمان‌ها و زمین را ویران خواهد کرد. آدمیان در میدان نبرد حارمجدون جمع می‌شوند و این میدان، وادی تصمیم درباره بشریت خواهد بود. به طور کلی پیش‌گویی نبرد در آخرالزمان از زبان خود مسیح نیز ذکر شده است (متی، ۲۴: ۴-۸؛ مرقس، ۱۳: ۶-۸؛ لوقا، ۲۱: ۹).

۲. ظهور دجال

«دجال» در لغت به معنای «بسیار دروغ‌گو» است و در اصطلاح، لقب ستمگری است که در آخرالزمان مردم را گمراه خواهد کرد و سرانجام به دست ماشیح کشته می‌شود (رسول زاده، ۱۳۸۹: ۷۳). عهد جدید در چندین جا به ظهور دجال اشاره دارد (رساله اول یوحنا، ۲: ۱۸-۲۳ و ۴: ۳؛ رساله دوم یوحنا، ۷).

آن‌گاه آن بی‌دین ظاهرخواهد شد که عیسی سرور او را به نَفَس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت (دوم تسالونیکیان، ۲: ۸).

ایشان با بزه^۱ جنگ خواهند نمود و بزه برایشان غالب خواهد آمد؛ زیرا که او رب الأرباب و پادشاه پادشاهان است و آنانی نیز که با وی هستند که خوانده شده و برگزیده و امین‌اند (مکاشفه، ۱۷: ۱۴).

۱. «بزه» در اصطلاح مسیحی، کنایه از حضرت مسیح است. استفاده از کلمه نمادین بره در مراسم عشای ربانی در برخی کلیساها مرسوم است (مولند، ۱۳۸۱: ۶۵).

مکاشفه می‌گوید، آغاز آن نبرد با دجال و قدرت‌های شیطانی حاکم در جهان است (مکاشفه، ۱۳)، ولی با پیروزی و غلبه حضرت مسیح علیه السلام (فرود وی از آسمان با سپاهی از فرشتگان) بر آنان به پایان خواهد رسید.

در فرجام‌شناسی مسیحی با استناد به فقرات فوق گفته می‌شود، آن بی‌دین که بر ضد خداوند ما، عیسی مسیح علیه السلام و قدیسان پرافتخارش خواهد جنگید، «دجال» است، ولی پادشاه مسیح، او و میلیون‌ها نیروی شریک‌زیر فرمان او را، که از ملت‌های سرتاسر زمین هستند، نابود خواهد کرد (مکاشفه، ۱۹: ۱۱-۱۶؛ چارلز، ۱۹۶۳: ۴۴۳؛ خاچیکی، ۱۹۸۲: ۱۶۳-۱۶۵).

۳. کشتار گسترده و فراگیر

در این فقره از انجیل متی: «اینک (مریم) باکره آستن شده پسری خواهد زایید و نام او را "عمانوئیل" خواهند خواند، که تفسیرش این است: "خدا با ماست" (متی، ۱: ۲۳)»، مسیح با نام «عمانوئیل»^۱ خوانده شده، که در نوشته‌های پیش‌گویانه اشعیا، از تولد این کودک در خاندان داود، با عنوان نجات‌دهنده بنی‌اسرائیل سخن به میان آمده است (اشعیا، ۷: ۱۳-۱۴). از نگاه اشعیا، پادشاهی عمانوئیل، گسترش‌دهنده قلمرو پادشاهی داود بر تمام سرزمین‌ها (اشعیا، ۸: ۸-۱۰)، هرچند شادی و تسلاهی یهوه و مؤمنانش را در اورشلیم به همراه دارد، برای دشمنان آن غضب شدید در پی خواهد داشت (اشعیا، ۶۶: ۱۰-۱۵). این پادشاهی به قیمت ریخته شدن خون‌های بسیار تحقق خواهد یافت: «زیرا خداوند با آتش و شمشیر خود بر تمامی بشر داوری خواهد نمود و مقتولان خداوند، بسیار خواهند بود» (اشعیا ۶۶: ۱۶).

فقرات مکاشفه یوحنا، بر کشتار یک سوم از اهل زمین تصریح دارند: «آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده‌اند تا این که ثلث مردم را بکشند» (۹: ۱۵). بسیاری از کشیشان بنیادگرای پروتستان، مدعی‌اند که کتاب مقدس از پیش چنین مقرر کرده است که در جنگ آخرالزمان حارمجدون در خاورمیانه، درگیری بزرگی میان ملت‌های جهان روی خواهد داد و تمام ارتش‌های شرق و غرب به رهبری دجال، توسط مسیح تار و مار خواهند شد و تمام درّه حارمجدون از خون آنان پر می‌شود. پس از اتمام این نبرد، «عظیم‌ترین لحظه» یعنی نجات مؤمنان باقی‌مانده به وسیله مسیح فرا می‌رسد (هال سل، ۱۳۸۰: ۶۴ و ۵۰-۵۷). برای نمونه:

و از دهانش (کلمه خدا) شمشیر تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند و آنها را به

1. Immanuel.

عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود و او چرخشت خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می‌افشرد و بر لباس و ران او نامی مرقوم است یعنی پادشاه پادشاهان و رب الارباب. (مکاشفه، ۱۹: ۱۵-۱۶).

و دیدم فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند، تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده می‌گوید: «بیاید و به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسب‌ها و سواران آنها و گوشت همگان را چه آزاد و چه غلام، چه صغیر و چه کبیر» (مکاشفه، ۱۹: ۱۷-۱۸).

و هر جا که مرداری باشد، کرکسان در آن جا جمع شوند (متی، ۲۴: ۲۸).

تمام پیش‌گویی‌های بیان شده مربوط به کشار جمعی پیش از ظهور مسیح در عهد قدیم و جدید، برداشت‌های ظاهری معتقدان آن به حساب می‌آید، که در ادامه به دیدگاه آنان پرداخته خواهد شد. در واقع، درباره این مسئله، تفسیر واحدی در مسیحیت وجود ندارد، از این رو به مهم‌ترین تفسیرها خواهیم پرداخت:

تفاسیر مهم مسیحی درباره کشتارهای جمعی پیش از ظهور

در طول تاریخ مسیحیت، برای تبیین فقرات عهدینی مربوط به وقایع آخرالزمان، به طور عام و کشتار جمعی، به طور خاص، چهار رویکرد تفسیری وجود داشته است، که منشأ اصلی این تفاوت تفسیری، تصویرهای مبهم، متفاوت و بعضاً ناهمگونی است که کتاب مقدس از وقایع آخرالزمان ارائه داده است (آگوستین، ۱۳۹۱: ۹۲۰).

۱. دیدگاه گذشته‌گرا^۱

گذشته‌گرایان، روی داده‌های واقعی و پیش‌گویی‌های عهدین، به ویژه مکاشفه یوحنا را به عنوان شرح وقایع گشته تفسیر می‌کنند. آنان معتقدند که متن کتاب مکاشفه، در حال ارائه پیش‌گویانه نمادین از تلاش مسیحیت برای زنده ماندن از آزار و اذیت امپراتوران و فرمان‌روایان رومی، «نرون» و «دامیتین» است، که کلیسای اولیه مسیحی در بستر تاریخی دوره حیات نویسنده، یعنی اواخر قرن نخست میلادی (۶۸-۹۶ م) با آن درگیر بوده است. آنان به حوادث جزئی در این زمینه توجه خاصی دارند؛ برای مثال نرون را تجسمی از خصایص حیوانی و خشونت در نظر داشته‌اند. گشودن مهر طومار را بیان‌گر داوری خدا بر اورشلیم (بعد از میلاد

1. Preterism.

مسیح ۶۶-۷۰) می‌دانند؛ که ۱۴۴۰۰۰ نفر از مسیحیان یهودیه به اردن فرار کردند (کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۰۷؛ گِریگ، ۱۹۹۷: ۸۳). در این روی‌کرد تفسیری، این فقره از مکاشفه: «دیدم فرشته‌ای را که از آسمان نازل می‌شود و کلید هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است و ازدها یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان می‌باشد، گرفتار کرده او را تا مدت هزار سال در بند نهاد» (۲۰: ۲) به این معناست که در همان اولین ظهور مسیح در جهان و غلبه او بر روی صلیب، شیطان در بند شد، نه این که این امر در آینده واقع شود (تیسن، بی تا: ۳۴۱).

۲. دیدگاه تاریخی^۱

از نگاه استیو گِریگ، روی‌کرد تاریخ‌گرایی هرچند امروزه معمول نیست، ولی «تفسیر تاریخی پروتستان» از متن کتاب مکاشفه است، که پیش‌گویی‌های آن را به عنوان این که در گذشته، حال و آینده، یعنی در طول گردش تاریخ مسیحی، از زمان رسولان تا پایان جهان محقق می‌شود، تفسیر می‌کند. گشودن طومار از دید تاریخ‌گرایان، بیانگر آغاز سقوط امپراتوری روم است. هفت شیپور و هفت پیاله (باب‌های ۱۵ و ۱۶)، وقایع باقی‌مانده از تاریخ آخرالزمان را آشکار می‌کند (گِریگ، ۱۹۹۷: ۲ و ۸۳).

به طور خاص، تاریخ‌گرایان متن کتاب مکاشفه را به عنوان یک ارائه پیش‌گویانه نمادین از مبارزه مسیحیان پروتستان، که از آزار و اذیت مداوم پاپ‌ها محفوظ بمانند، مورد بررسی قرار می‌دهند. به اعتقاد آنان، حوادثی چون سختی و رنج عظیم، یک روی‌داد آینده‌ای نیست، بلکه رخدادهایی هستند که در طول دوره قدرت و برتری مطلق پاپ برای ۱۲۶۰ سال یعنی از ۵۳۸-۱۷۹۸ رخ داده است (بن‌ور و راری، ۲۰۰۶: ۲۴۰). تاریخ‌گرایان تمایل دارند که ببینند پیش‌گویی‌ها در میان قرن‌ها و حتی در جهان امروز محقق شود. از این رو، مارتین لوتر، جان کالون و دیگر اصلاح‌طلبان پروتستان، به جای آن که منتظر دجال باشند تا بر زمین در طول یک دوره رنج آینده حکومت کند، دجال را به عنوان یک چهره موجود و حاضر در جهان زمان‌شان دیدند، که در مقام پاپی واقعیت پیدا کرده است (اسمیت، ۱۸۹۷: ۴۳۷-۴۴۹). اندیشمندانی دیگر در طول تاریخ مسیحیت بودند که علاوه بر پاپ، مصادیقی مانند کالیگیولا، نرون، مذهب آریوسی، هیتلر، استالین و کمونیسم را نیز دجال می‌دانستند (هاروی، ۱۳۹۰: ۱۶).

به اعتقاد آنان، تمام رخدادهای برجسته تاریخ مسیحی، مانند ظهور کلیسای روم، وقوع جنگ‌های صلیبی، دادگاه تفتیش عقاید و نیز نهضت اصلاح دینی، همگی به شکل نمادین و

رمزی در خلال فصل‌های نهم تا شانزدهم کتاب مکاشفه در قالب مفاهیمی چون «هفت بلا» و «هفت صدای شیپور» بیان شده‌اند (کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

۳. دیدگاه ایده‌آلیستی^۱

در ایده‌آلیسم، که به عنوان رویکرد «معنوی یا روحانی^۲» یا «غیر تحت‌اللفظی^۳» نیز معروف است (گرگ، ۱۹۹۷: ۸۳)، مواد و عناصر فرجام‌خواهانه در عهدین به ویژه مکاشفه یوحنا، مانند سلطنت هزارساله مسیح به همراه نیکوکاران، حمله ناکام شیطان، که خیلی زود توسط خدا خنثی می‌شود، رستاخیز و... به یک واقعه تاریخی خاص منحصر نیست، بلکه بر هر عرصه‌ای از حیات بشر قابل اطلاق است و به طور پیوسته و مستمر و حتی در حال حاضر در قالبی روحانی در حال تحقق (انجام) و جریان است (لادیو، ۲۰۰۴: ۹ و ۱۴، به نقل از: عدلی، ۱۳۸۹: ۱۸۱ و ۱۸۴؛ کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). بدین ترتیب، امر رویارویی نمادین و تمثیلی در مکاشفه، مبین ستیز همیشگی نیروهای شرّ علیه نیروهای خیر - مشخصاً مسیح و یارانش - است (کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۰۸)؛ یا طومار و گشودنش، نشان‌دهنده ارتباط خدا با بشریت است، که در چرخه جنگ، شهادت و داوری دیده می‌شود، که بارها و بارها در طول تاریخ تکرار می‌شود؛ یا جانور و شهر بابل، نشان‌دهنده انواع بی‌عدالتی‌های اجتماعی است (که شامل هر فاسد و یا حتی تمام حکومت‌های دنیوی می‌شود)؛ یا خلق مجدد زمین و استقرار ملکوت آسمان، به عنوان اصلاح کلی جامعه بررسی می‌شوند (گرگ، ۱۹۹۷: ۸۳)؛ یا بسته شدن شیطان به مدت هزار سال، عملی است که به‌طور مداوم در حال انجام است و خداوند شیطان را در «تمام مدت این جهان» از گمراه کردن کلیسا ناتوان ساخته یا اجازه این کار را به او نداده است (تیسن، بی‌تا: ۳۴۱؛ آگوستین، ۱۳۹۱: ۹۲۶-۹۲۹).

اکثر مسیحیان، یعنی کلیسای کاتولیک روم و کلیسای ارتودکس شرقی به این دیدگاه معتقدند؛ یعنی این مکاتب، کلیسا را (به معنای جامعه مؤمنان مسیحی) - که از آن به پیکر عیسی عَلَيْهِ السَّلَام تعبیر شده بود - حضور مسیح و روح القدس و مقدمه تحقق ملکوت الهی می‌دانستند (مجتبایی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۴۳). به عقیده آنها، کلیسا مظهر ملکوت الهی است و روح القدس در آن کلیسا و در روح هر مؤمن حضور دارد و تأسیس کلیسا، آغاز و طلیعه تحقق حکومت خداوند است. جهان بیرون از کلیسا، قلمرو شیطان و عرصه گناه است و هر که به جامعه مؤمنان

1. Idealism.
2. spiritual.
3. non literal.

بپیوندد، خود را از سیطره شیطانی رها کرده و نجات یافته است. کلیسا در حال گسترش است و سرانجام به کمال خود خواهد رسید و تمامی جهان را فراخواهد گرفت. آن‌گاه ملکوت الهی بیرون از این جهان و بیرون از این تاریخ، در جهانی نو برقرار خواهد شد (هَچ، ۱۹۵۷: ۷۸؛ به نقل از قاسمی، بهار ۱۳۹۰: ۲۶).

به عقیده کاتولیک، «یاجوج»، فرمان‌روای سرزمین مأجوج، که به سرزمین اسرائیل حمله خواهد کرد و خدا سپاه او را نابود می‌کند و مرغان شکاری و حیوانات صحرا، گوشت او و یاران او را خواهند خورد (حزقیال، ۳۸ و ۳۹: ۳-۵)، شخصیتی تاریخی و واقعی نیست، بلکه به شکل نمادین، رهبر نیروهای ضد خدا معرفی می‌شود؛ همانند آنتیوخس چهارم^۱ (۱۷۵-۱۶۳ ق.م)، امپراتور یونان، که به خاطر آزار و ستمی که بر اسرائیلیان روا می‌داشت، به عنوان نیروی ضد (دشمن) خدا معرفی شده است (دانیال، ۱۱). در کتاب مکاشفه یوحنا نیز مراد از مفهوم دجال، که یوحنا آن را از مفاهیم موجود در کتاب دانیال استفاده کرده است، شیطان است که نیروهای زمینی را در نبرد با مردمان خداوند رهبری می‌کند (رادریگس، ۲۰۰۳: ج ۱، ۵۱۵).

کلیسای کاتولیک، که به مقابله با فهم تحت‌اللفظی کتاب مکاشفه و مطالب ناظر به آخرالزمان پرداخته و تفسیر روحانی از آن ارائه می‌دهد، تحت تأثیر تعالیم آگوستین، به دو عالم روحانی (شهر خدا و ایمان، که کلیسای کاتولیک شکل تاریخی و تجسم عینی آن بر روی زمین است) و عالم زمینی (شهر مادی و دنیوی و بی‌ایمانی) معتقد است. به باور آنها، کل تاریخ جهان از آغاز تا پایان، جنگ سختی میان شهر زمینی (دنیوی) و شهر خداست و ملکوت مسیح در شهر خدا محقق می‌شود و شهر خاکی، محکوم کیفر ابدی است (تعالیم کلیسای کاتولیک، بند ۳۲۷؛ کونگ، ۱۳۸۴: ۱۰۳؛ آگوستین، ۱۳۹۱: ۶۲۲ و ۹۲۰).

کاتولیک‌ها، این سخن آینده‌گرایان را که می‌گویند رستاخیز اول جسمانی است و در آینده واقع خواهد شد، باطل دانسته و معتقدند رستاخیز اول (یعنی حضور مجدد مسیح، قدیسان، شهیدان و مؤمنان در کلیسا و ناتوانی شیطان) روحانی و بدون جسم است و اکنون جریان دارد. ملکوت مسیح از طریق نشانه‌های معجزه‌آسایی از راه کلیسا، هم‌اکنون حضور دارد و فرمان‌روایی می‌کند. آنان تنها رستاخیز نهایی (واپسین داوری و پیروزی نهایی خدا بر طغیان شیطان) را جسمانی دانسته و معتقدند در این دوران، مردگان یعنی کسانی که به پسر خدا احترام نکردند و ایمان نیاوردند، با شنیدن آواز پسر خدا، جسم گرفته، زنده می‌شوند و مورد داوری، یعنی محکومیتی که مرگ دوم نام دارد، قرار می‌گیرند (تعالیم کلیسای کاتولیک، بند

1. Antiochus IV.

۶۷۰، ۶۷۷ و ۶۸۱؛ آگوستین، ۱۳۹۱: ۹۲۱-۹۳۶).

۴. دیدگاه آینده‌گرا^۱

در دیدگاه آینده‌گرا از فرجام‌شناسی مسیحی، بسیاری از پیش‌گویی‌های کتاب مقدس در آینده انجام خواهد شد. آنها به روی داده‌های فیزیکی و واقعی باور داشته و به پیروی تحت‌اللفظی از کتاب مقدس تأکید دارند. به باور آنان، پیش از بازگشت دوم عیسی ﷺ و در مدت زمان پایانی، رنج و محنت عظیمی رخ می‌دهد. رنج و محنت، یک دوره نسبتاً کوتاه از زمان است، که در آن هر فردی سختی جهانی، بلایای طبیعی، قحطی، جنگ و رنج را تجربه خواهد کرد، که بیش از ۷۵ درصد از جان‌داران روی زمین، پیش از تحقق بازگشت دوم مسیح، معدوم می‌شوند. برخی از معتقدان به رنج پیش از ظهور مسیح، باور دارند کسانی که پیروی از خدا را برمی‌گزینند، پیش از سختی، در شرف و شادی غرق می‌شوند و در نتیجه رنج را فراموش می‌کنند (لایهه، ۲۰۰۱: ۶۶-۶۷).

دیدگاه آینده‌گرایی، که در قرن بیستم با اقبال فراوان مسیحیان بنیادگرا و انجیلی، مواجهه و دوباره احیا گردیده است، مکاشفه یوحنا را بازنمایی دقیق حوادث روزهای پایانی تاریخ، به ویژه هفت سال پایانی آن لحاظ می‌کند. مطابق این دیدگاه، تمثیل‌ها و نمادهای مکاشفه، مانند چهار سوارکار، حیوان‌ها، شیپورها، جام‌های عذاب و... حکایت از رخداد‌های واقعی و عینی دارند که پیش از آخرالزمان به وقوع می‌پیوندند؛ زیرا بخش زیادی از حوادث مطرح شده در مکاشفه، هنوز پدیدار نشده و امور مهمی در راه است. مسیحیان بنیادگرا، که همان صهیونیست‌های مسیحی هستند، می‌گویند باید آن‌چه را که در کتاب مقدس آمده است، عیناً با همان الفاظ و به همان معانی ظاهری پذیرفت و منتظر رجعت مسیح و وقوع تمامی علائم آن از جمله کشتارهای جمعی بود. صهیونیست‌های مسیحی بر این باورند که امور آینده جهان، مطابق پیش‌گویی‌های کتاب مقدس، محقق می‌شود و به پیش می‌رود. حتی اشغال سرزمین فلسطین و تشکیل حکومت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ را از زمره وقایع آخرالزمانی قلمداد کرده، آن را نشانه تحقق پیش‌گویی‌های عهد عتیق و مؤید ادعاهای مکاشفه یوحنا می‌دانند. آنان صراحتاً می‌گویند هیچ‌یک از حلقه‌های زنجیره حوادث امروز و فردا، بدون احیای دولت اسرائیل، اورشلیم و بازسازی معبد سلیمان معنا نخواهد داشت. نقطه اوج این‌گونه توجیهات بر واقعه «حارمجدون» متمرکز شده است (هال سل، ۱۳۸۴: ۲۸۳-۲۸۸).

کلباسی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

صهیونیسم مسیحی، حامی و تبیین‌کننده اصلی پیش‌گویی کشتار جمعی در کتاب مقدس

«صهیونیست مسیحی» نامی است که در قرن نوزده میلادی، از سوی ملی‌گرایان یهودی مانند هرتسل و جان نلسون داربی (۱۸۰۰-۱۸۸۲) به پیوریتان‌ها^۱ (یا پارسایان)، به سبب حمایت آنان از صهیونیسم اطلاق شد. پیوریتان‌ها از افراطی‌ترین و تندروترین شاخه مذهبی پروتستان هستند که از قرن شانزده میلادی به خاک آمریکا پا نهادند و در شکل‌گیری تاریخ، فرهنگ و مذهب جامعه آمریکا نقش مؤثری را ایفا کردند. آنان در قرن هفده میلادی در انگلستان انقلاب کرده و قدرت را به دست گرفتند. آنان در قرن هفده و هجده با یهودیان رابطه برقرار کردند و در قرن نوزده، رسماً پیوندشان محکم شد (ژیلبرت و لیبی کلاپرن، ۱۳۵۴: ج ۳، ۱۴۳-۱۵۱؛ هلال «أ»، ۱۳۸۳: ۴۵؛ سایزر، ۱۳۸۶: ۴۲، ۷۲ و ۱۰۱). اصلی‌ترین دلیل حمایت و رابطه پیوریتان‌ها با یهودیان و علاقه فوق‌العاده آنان به مطالعات توراتی و یهودی‌گری^۲، و حتی جایگزین کردن آداب و رسوم یهودیت به جای اصول مسیحیت، در واقع مقدمه تحقق پروژه «زمینه‌سازی بازگشت مجدد مسیح» بود (راث، ۲۰۰۷: ج ۱۱، ۵۲۰؛ هلال «أ»، ۱۳۸۳: ۴۵).

پیوریتان‌ها معتقدند که ظهور دوباره مسیح، مستلزم وقوع حوادثی است که با پیش‌گویی‌های عهد عتیق مرتبط است. از این رو، از قرن هفده میلادی به بعد، وظیفه دینی خود دانستند تا برای تسریع در عملی شدن این حوادث و در نتیجه بازگشت مسیح تلاش کنند (سایزر، ۱۳۸۶: ۷۰؛ صاحب خلق، ۱۳۸۵: ۳۸). بدین سبب به شش آموزه الهیاتی که از کتاب مقدس سرچشمه می‌گیرد، باور دارند:

اول: یهودیان قوم برگزیده خدا هستند؛

دوم: آنها باید به اسرائیل برگردند؛ زیرا حضور آنان در فلسطین، زمینه را برای رجعت مسیح آماده خواهد کرد (هلال «ب»، ۱۳۸۳: ۶۶)؛

سوم: سرزمین اسرائیل منحصراً به یهودیان تعلق دارد. از این رو، باید تسخیر شده و شهرک‌سازی در آن انجام شود؛

چهارم: بیت المقدس پایتخت ابدی و انحصاری یهودیان است و نمی‌توان آن را با ساکنان

1. Puritan.
2. Judazing.

فلسطین تقسیم کرد. از این رو، وقتی در ۱۹۶۷ م. بیت‌المقدس به سرزمین‌های اسرائیل الحاق شد، صهیونیست‌های مسیحی آن را در زمره تحقق نشانه‌های الهی دانستند. پرفسور آبراهام ایکورو تشیما^۱ مؤسس فرقه مسیحی- صهیونیستی «ماکایا» در ژاپن می‌گوید: «الحاق بیت‌المقدس به اسرائیل، یک نشانه الهی است که مسلماً کلمه خداوند بوده است» (راسکاس، ۲۰۰۱: ۱۹۹)؛

پنجم: معبد قدیمی باید برای سومین بار، بر روی جایگاه کهن آن ساخته و بنا شود که در حال حاضر، «قبة الصخره» بر آن قرار دارد (هلال «أ»، ۱۳۸۳: ۱۲۰)؛

ششم: در آخرالزمان جنگ عظیم حارمجدون میان خیر و شر واقع خواهد شد که نیروهای خیر به رهبری مسیح، بر نیروهای شرّ به رهبری دجال پیروز می‌شوند. از این رو، امیدی به صلح پایدار میان یهودیان و اعراب مسلمان نیست (سایزر، ۱۳۸۶: ۴۶۲-۴۶۳). بنابراین، نبرد حارمجدون در آخرالزمان و به دنبال آن ظهور مسیح، که هزاره خوشبختی را به ارمغان خواهد آورد، گام‌های پایانی در تحقق پیش‌گویی‌های کتاب مقدس به شمار می‌آیند.

صهیونیسم سیاسی^۳ مجری طرح صهیونیسم مسیحی،^۴ در نظر دارد با کار سیاسی به آرزوی «دوباره‌سازی هیکل سلیمان» جامه عمل بپوشد (ماضی، ۱۳۸۱: ۵۵)؛ زیرا یهود آرزوی ساخت معبد را دارد. لازمه این کار، نابودی مسجدالصخره و مسجدالاقصی در بیت‌المقدس است. تخریب مسجدالصخره و ساخت معبد یهود، از باورهای مشترک صهیونیسم مسیحی و یهودی است اما مسلمانان اجازه نابودی مسجد را نمی‌دهند. از این رو، فاجعه دهشتناک رقم می‌خورد و جنگ آخرالزمانی حارمجدون در صحرای مگیدو در اسرائیل رخ می‌دهد. صهیونیسم مسیحی برای تسریع بخشیدن به این جنگ، مخالف روند صلح در خاورمیانه است. در این جنگ، لشکریان اعراب و اسلام شکست می‌خورند و مسیح، ظهور مجدد می‌کند (سایزر، ۱۳۸۶: ۳۱۶، ۴۴۵ و ۴۶۲). پیوریتان‌ها براساس تفسیر ادبی که از پیش‌گویی مکاشفه یوحنا دارند، به مفهوم «هزاره‌گرایی» باور دارند. هزاره‌گرایی به این معناست که بازگشت مجدد مسیح نزدیک است و او در اورشلیم برای هزار سال حکومت و سلطنت خواهد کرد (ملاکی، ۲۰۰۷: ج ۲۱، ۶۲۱).

بنا به اظهار الی برناوی (تاریخ‌نگار یهودی)، پیوریتان‌ها تمام تلاش خود را برای بازگشت و

1. Abraham Ikuro Teshima
2. Makuya
3. Political Zionism
4. Christian Zionism

استقرار یهودیان در سرزمین‌های مقدس انجام دادند؛ زیرا براساس اعتقاد پیوریتان‌ها، پیش از بازگشت مجدد مسیح، باید یهودیان به سرزمین‌های مقدس بازمی‌گشتند (برناوی، ۱۹۹۲: ۱۴۰). به باور پیوریتان‌ها، یهود در آینده بر آن سرزمین حکومت خواهد کرد و آن‌گاه طبق پیش‌گویی‌های کتاب مقدس، مسیح برای حکومت و پادشاهی بر جهان ظاهر خواهد شد و یهودیانی که کشته نشده باشند، به مسیح ایمان می‌آورند (کریستون، ۱۳۷۷: ۱۳۲؛ هال سل، ۱۳۸۴: ۵۴). این اولین باری بود که بشر به جای تکیه بر خدا برای تحقق بازگشت یهودیان، درصد درآمد که با مداخله خود به آن دست یابد (سایزر، ۱۳۸۶: ۷۱). در واقع «تقدم انسان بر خدا»، یکی از رویکردهای پروتستانیسم است که به باور برخی، از عهد عتیق به ارث برده است؛ مانند غلبه یعقوب بر خداوند که در مبارزه کشتی و این‌که خداوند از یعقوب شکست می‌خورد (فیاض، اسفند ۱۳۸۵: ۱۷)؛ و به اعتقاد برخی، این رویکرد از اومانیسم تأثیر پذیرفته است (مک‌گراث، ۱۹۹۸: ۴۰).

تحلیل و بررسی

با تأمل در عهدین، می‌توان دو مسئله را مورد تحلیل و بررسی قرار داد: نخست آن‌که، به نظر می‌رسد استناد پیش‌گویی وقوع کشتار جمعی پیش از ظهور مسیح به عهدین، صحیح است. حضرت عیسی علیه السلام در موعظه خویش در دامنه کوه زیتون، فاجعه آشوب و جنگ در جهان آخرالزمان را پیش‌گویی کرده است (متی، ۲۴: ۳-۷؛ مرقس، ۱۳: ۱۹؛ لوقا، ۲۱: ۹-۲۲). در فرجام‌شناسی مسیحی، «مصیبت عظیم» یا «دوره غضب خدا نسبت به ساکنان زمین»، بیان‌گر همین دوره‌ای است که حضرت عیسی علیه السلام در دامنه کوه زیتون بیان فرموده است (ادوی وین، ۱۹۴۰: ذیل واژه Tribulation). اما خود موضوع کشتار جمعی، از بخش‌های دیگر عهدین قابل استفاده است که به مناسبت، فقرات مرتبط با آن در متن مقاله، در ذیل مؤلفه‌های نبرد حارمجدون، ظهور دجال و کشتار فراگیر دسته‌بندی شده‌اند؛ برای نمونه، پیش‌گویی کشتار دو سوم اهل زمین در عهد عتیق آمده است:

و بیهوه می‌گویند که در تمامی زمین دو حصه منقطع شده خواهند مرد و حصه سوم در آن باقی خواهد ماند... (زکریا، ۱۳: ۸-۹).

به گونه‌ای که هفت ماه طول می‌کشد تا زمین را از اجساد آنان طاهر سازند:

و در آن روز... خاندان اسرائیل مدت هفت ماه ایشان را دفن خواهند کرد تا زمین را طاهر سازند... (حزقیال، ۳۹: ۱۱-۱۵).

یوحنا در رؤیا دید که چهار فرشته مأمور شدند تا یک سوم مردم را بکشند:

آن چهار فرشته، که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده‌اند تا این که ثلث مردم را بکشند، خلاصی یافتند (مکاشفه، ۹: ۱۵).

در این دوره آن‌گونه که از کتاب دانیال (باب‌های ۲، ۹ و ۱۱) و مکاشفه (باب‌های ۶، ۱۳، ۱۶، ۱۷ و ۱۹) برمی‌آید، وضع سیاسی، دینی و اقتصادی جهان، استبدادی خواهد بود و سلاطین جهان به واسطه اغوای شیطان، به ریشه کن کردن ایمان و مؤمنان از روی زمین اقدام می‌کنند و سرانجام به رهبری شیطان برای جنگ حارمجدون گرد هم می‌آیند. این دوران، که در واقع زمان قدرت ظلمت است، پادشاهان جهان برای وقوع جنگ همه‌جانبه و تصرف اورشلیم متحد می‌شوند، ولی درست همان موقع که پیروزی آنها نزدیک است، با بازگشت مسیح، رهبران، لشکریان مستبد و تمام سیستم آنان نابود خواهد گردید و سلطنت مسیح حکم فرما خواهد شد (تیسن، بی تا: ۳۴۴-۳۵۰).

منطق حاکم بر عهدین آن است که جنگ و کشتار گسترده پیش از ظهور، به ظهور مجدد مسیح متصل می‌شود، که پایان تاریخ با بازگشت نهایی او خواهد بود (دوم تسالونیکیان، ۲: ۸). نکته شگفت‌انگیز این جاست که خود مسیح نیز همانند پیامبران مذکور در عهد قدیم، برای اصلاح جامعه و برقراری حق و عدالت، برخی را از دم تیغ می‌گذرانند. ایشان هرچند راضی به این امر نیست، ولی همچون پادشاهی است که در آخرالزمان چنین نبرد خوف‌ناک را رهبری می‌کند. در حالی که نویسندگان، تصویر مهربانی از عیسی علیه السلام نشان می‌دهند، هنگامی که پژوهشگر به مسئله آخرالزمان می‌رسد، مشاهده می‌کند که حضرت (متأسفانه) قاتل و بی‌رحم معرفی شده است و در موضوعات مختلف، تحریف یا دست‌بشری را در عهدین نظاره می‌کند، همان‌گونه که در تدوین عهد عتیق نیز چنین برخوردی با برخی از انبیاء شده است. فقراتی از عهد جدید، بیان‌گر آن است که مسیح پس از بازگشت، گنه‌کاران را قتل‌عام و نابود خواهد کرد:

هر درختی که میوه نیکو نیاورد، بریده و در آتش افکنده می‌شود (لوقا، ۳: ۹).

او غربال خود را به دست خود دارد و خرمن خویش را پاک کرده، گندم را در انبار خود ذخیره خواهد نمود و گاه را در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید (لوقا، ۳: ۱۷).

حضرت عیسی علیه السلام کودکان را به خاطر گناهان مادرشان خواهد کشت (مکاشفات یوحنا، ۲: ۲۳).

از جمله حکایت‌هایی که عیسی علیه السلام برای توضیح ملکوت می‌آورد، حکایت پادشاه و ده غلام است، که در پایان این حکایت می‌گوید صاحب ملکوت، همانند آن پادشاهی است که وقتی برخی از اهالی ایالت وی مخالف حکمرانی او بودند، چنین واکنش نشان داد:

اما آن دشمنان من که نخواستند من بر ایشان حکمرانی نمایم، در این جا حاضر ساخته، پیش من به قتل رسانید (لوقا، ۱۹: ۱۴ و ۲۷).

یا این که به نظر می‌رسد این سخنان مسیح، نبرد و مبارزه مسلحانه را تجویز می‌نماید: گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم؛ نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را (متی، ۱۰: ۳۴).

یا این که به پطرس فرمود:

آیا گمان می‌برید که من آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بخشم، نی! بلکه به شما می‌گویم تفریق را (یعنی آمدن من باعث صلح و آشتی مردم نمی‌شود، بلکه مردم با هم اختلاف پیدا می‌کنند)؛ زیرا بعد از این پنج نفر که در یک خانه باشند، دو از سه و سه از دو جدا خواهند شد (دو نفر به جانب من خواهند بود و سه نفر بر ضد من) (لوقا، ۱۲: ۵۱-۵۲).

عیسی علیه السلام با تازیانه به مردمی که حرمت روز شنبه را نگه نمی‌دارند، حمله می‌کند و آنها را از معبد بیرون می‌راند و سکه‌های صرافان را بر زمین می‌ریزد و تخت‌هایشان را واژگون می‌کند (یوحنا، ۲: ۱۵).

با توجه به این منطق حاکم بر عهدین، رهبران مسیحی در طول سالیان متمادی زعامت خویش، فرمان جنگ‌های خون‌باری را که صفحاتی تاریک در تاریخ بشریت رقم زده است، صادر نموده‌اند؛ مانند تاراج، غارت‌گری و کشتار بی نظیر شهر قسطنطنیه، مرکز تمدن جهان مسیحی، توسط صلیبیان غربی (رانسیمان، ۱۳۷۱: ج ۳، ۱۴۹-۱۵۰)؛ و یا قتل عام هولناک زنان و کودکان توسط سپاه جنگ صلیبی (ر.ک: مادن، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵؛ بیئل، ۱۳۸۵: ۹۰-۹۱).

مسئله دوم آن که، بررسی فقرات مربوط به پیش‌گویی کشتار جمعی در عهدین، بیان‌گر آن است که این پیش‌گویی‌ها صرفاً جنبه خبری دارند و درصدد بیان نشانه‌های آخرالزمانی هستند، نه ایجاد تکلیف. این اندیشه که گروهی با هدف سرعت بخشیدن به ظهور مجدد مسیح، برای تحقق نبرد حارمجدون تلاش کنند و فراهم کردن زمینه‌های آن را تکلیف و وظیفه دینی خود بدانند، با فقرات عهدین مطابقت ندارد. صهیونیست‌های مسیحی می‌گویند ما در دوران آخرالزمان هستیم و نباید نگران گسترش سلاح‌های اتمی در دنیا باشیم و نیازی

نیست که سعی کنیم از جنگ میان عرب‌ها و اسرائیل جلوگیری کنیم؛ بلکه باید دعا کنیم که این جنگ درگیرد و همه دنیا را در کام خود بکشد؛ زیرا که این جنگ، بخشی از طرح‌های آسمانی است (هال سل، ۱۳۸۴: ۷۱). از این رو، از قرن هفده میلادی به بعد، وظیفه دینی خود دانستند تا برای تسریع در عملی شدن این حوادث و در نتیجه بازگشت مسیح، تلاش کنند (سایزر، ۱۳۸۶: ۷۰؛ صاحب خلق، ۱۳۸۵: ۳۸).

تحقیقات، گویای این واقعیت است که برداشت فوق، که درصدد است دنیا را به سمت کشتار وسیع حرکت دهد، منشأ عهدینی ندارد؛ زیرا فقرات عهدین غالباً از تحقق حوادث آخرالزمانی خبر می‌دهند. سخنان حضرت عیسی علیه السلام بر روی کوه زیتون، گواه بر این مطلب است:

و چون (عیسی) به کوه زیتون نشسته بود، شاگردانش در خلوت نزد وی آمده گفتند: «به ما بگو که این امور کی واقع می‌شود و نشان آمدن تو و انقضای عالم چیست؟» عیسی در جواب ایشان گفت: «زهار کسی شما را گمراه نکند! زان رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد؛ و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید. زهار مضطرب مشوید؛ زیرا که وقوع این همه لازم است، لیکن انتها هنوز نیست؛ زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی خواهند برخاست و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید. اما همه اینها آغاز دردهای زه است... لیکن هرکه تا به انتها صبر کند، نجات یابد» (متی، ۲۴: ۳-۱۴؛ و نیز ر.ک: مرقس، ۱۳: ۱-۲۰؛ لوقا، ۲۱: ۵-۲۴).

در این فقرات، حضرت عیسی علیه السلام در مقام پیش‌گویی درباره آینده، از یک امر حتمی (تکوینی) خبر می‌دهد، که چه بخواهیم و چه نخواهیم، نبردها و وقایع آخرالزمان واقع می‌شود، ولی به مسیحیان توصیه دارد که پریشان و نگران نشوند و به جای دخالت در تحقق نبردها، صبر را پیشه خود سازند؛ زیرا نجات، در صبر بر این امور است. بنابراین، ایشان هیچ‌گاه حکم تشریحی صادر نکرده‌اند که به تحقق جنگ‌ها اقدام کنید.

یوحنا نیز با توجه به رؤیایی که دید، خبر داده است که:

و ایشان (پادشاهان جهان) را به موضعی که آن را در عبرانی حارمجدون می‌خوانند، فراهم آوردند (مکاشفه یوحنا، ۱۶: ۱۶).

در عهد عتیق نیز این‌گونه آمده است:

در آن روز ماتم عظیمی مانند ماتم هَدَدِرْمُون در همواری مَجِدُون در اورشلیم خواهد

بود (زکریا، ۱۲: ۱۱).

به طور کلی، عهد جدید منادی عکس اندیشه صهیونیسم مسیحی است؛ آن جا که می گوید هیچ کس غیر از خداوند، از زمان وقوع آن دوران اطلاع ندارد، نه فرشتگان و نه مسیح (مرقس، ۱۳: ۳۲). همچنین رسولان حضرت عیسی علیه السلام، مردم را دعوت می کردند که هنگام مواجهه با این گونه مصائب، صبر کنند و دل های خود را قوی سازند، تا این که سرانجام مسیح بیاید و سلطنت عالم را به دست گیرد (اول قرن تیان، ۱۵: ۲۳-۲۸). اساساً اصطلاح «صهیونیست مسیحی»، هرچند ممکن است صهیونیسمی را به ذهن متبادر کند که از «انگیزه های مذهبی ناشی از کتاب مقدس» نشأت گرفته است، ولی واقعیت آن است که «انگیزه های سیاسی» از همان آغاز، از پرهیزکاری و اعتقادهای مذهبی آنان مهم تر بود (هال سل، ۱۳۸۴: ۲۲۰).

نتیجه گیری

از مجموع مباحث این نوشتار به دست می آید که کشتار جمعی پیش از ظهور مسیح، هم با ظاهر فقرات عهدین قابل انطباق است و هم گروه هایی از مسیحیت، طرفدار چنین تفسیری از کتاب مقدس هستند. منطق و روح حاکم بر عهدین درباره مسیح، به گونه ای است که هرچند ایشان راضی به این امر نیست، ولی همچون پادشاهی است که در آخرالزمان چنین نبردی را رهبری می کند. البته گروه هایی در مسیحیت برای فرار از این مباحث، تفسیرهای روحانی و غیر تحت اللفظی از این فقرات دارند و اساساً با کشتار جمعی مخالف اند؛ اما پیوریتان ها (صهیونیست های مسیحی) بر این باورند که فقرات مربوط به کشتار جمعی پیش از ظهور مسیح، پیش گویی هایی است که هنوز واقع نشده و از جمله طرح الهی و آسمانی است که باید برای وقوع آنها دعا و تلاش کنیم. از این رو، معتقدند که هرگونه صلح در این زمینه پایدار نیست و تنها راه برای صلح پایدار و جهانی، فراهم آمدن زمینه های ظهور مسیح، از جمله محقق شدن نبرد آخرالزمانی حارمجدون است؛ حال آن که عهدین صرفاً در مقام خبر دادن از چنین علائم و رخدادهاست و این باور که با هدف سرعت بخشیدن به ظهور دوباره مسیح، وقوع این نبرد را تکلیف و وظیفه دینی فردی یا گروهی دانسته و برای آن دعا یا تلاش شود، با عهدین مطابقت ندارد.



منابع

- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۶۸ش)، *تحقیقی در دین مسیح*، بی‌جا، نگارش.
- آگوستین (۱۳۹۱ش)، *شهر خدا*، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- بیئل، تیموتی لوی (۱۳۸۵ش)، *جنگ‌های صلیبی*، ترجمه سهیل سمی، تهران، ققنوس.
- تیسن، هنری (بی‌تا)، *الاهیات مسیحی*، ترجمه ط. میکائیلیان، تهران، انتشارات حیات ابدی.
- خاچیکی، سارو (۱۹۸۲م)، *اصول مسیحیت*، تهران، حیات ابدی.
- رانسیمان، استیون (۱۳۷۱ش)، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رسول‌زاده، عباس (بهار ۱۳۸۹)، «*آخرالزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت*»، معرفت ادیان، ش ۲.
- ژیلبرت و لیبی، کلاپرن (۱۳۵۴ش)، *تاریخ قوم یهود*، تهران، انجمن فرهنگی اوتصرهتورا.
- سایزر، استیون (۱۳۸۶ش)، *صهیونیسم مسیحی نقشه راه به سوی آرمدون*، ترجمه حمید بخشنده و قدسیه جوانمرد، قم، طه.
- صاحب‌خلق، نصیر (۱۳۸۵ش)، *پروتستان‌تیزم، پیوریتانیزم و مسیحیت صهیونیستی*، تهران، هلال.
- صادق‌نیا، مهرباب (۱۳۸۸ش)، «*گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت*»، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان (مجموعه مقالات)، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- عدلی، محمدرضا (۱۳۸۹ش)، *فرجام‌شناسی مسیحی*، قم، نشر ادیان.
- فیاض، ابراهیم (اسفند ۱۳۸۵)، «*ارتباط پروتستان‌تیزم با تفکر یهودی*»، گفت‌وگو با ایشان، ماهنامه موعود، ش ۷۳.
- قاسمی قمی، جواد (بهار ۱۳۹۰)، «*تفاسیر مهم مسیحی درباره بازگشت مسیح*»، هفت آسمان، سال سیزدهم، ش ۴۹.
- کتاب مقدس، ترجمه قدیم، انتشارات ایلام.
- کرینستون، جولیسوس (۱۳۷۷ش)، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- کلباسی، حسین (۱۳۸۸ش)، *هزاره‌گرایی در سنت مسیحی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- کونگ، هانس (۱۳۸۴ش)، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و

تحقیقات ادیان و مذاهب.

- کهن، ا. (۱۳۵۰ش)، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، یهودا حی.
- لین، تونی (۱۳۸۰ش)، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران، انتشارات فرزانه.
- مادن، توماس (۱۳۸۹ش)، *نگاهی نو و فشرده به تاریخ جنگ‌های صلیبی*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و اکرم اکرمی، تهران، علم.
- ماضی، محمد (۱۳۸۱ش)، *سیاست و دیانت در اسرائیل*، ترجمه سید غلامرضا تهامی، تهران، سنا.
- مجتبابی، فتح‌الله (۱۳۶۷ش)، «*آخرالزمان در مسیحیت*»، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱، تهران، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
- مولند، اینار (۱۳۸۱ش)، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر.
- ویور، مری جو (۱۳۸۱ش)، *درآمدی به مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- هاروی، ون آستن (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ الهیات مسیحی*، ترجمه جواد طاهری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هال سل، گریس (۱۳۸۴ش)، *تدارک جنگ بزرگ*، ترجمه خسرو اسدی، تهران، رسا.
- هلال، رضا «أ» (۱۳۸۳ش)، *مسیح یهودی و فرجام جهان*، ترجمه قیس زعفرانی، تهران، هلال.
- _____ «ب» (۱۳۸۳ش)، *مسیحیت صهیونیست و بینادگرایی آمریکا*، ترجمه علی جنتی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- Aggrawal A., 2005, "Mass Murder." In: Jason Payne-James & Roger W. Byard, *Encyclopedia of Forensic and Legal Medicine*, Corey TS, Henderson C (Eds.), Elsevier Academic Press, London, 4 vol, Vol. 3.
- Benware, Paul N. and Ryrie, Charles C., 2006, *Understanding End Times Prophecy: A Comprehensive Approach*, Moody Publishers (Chicago, IL, USA). Ch. 13: The Posttribulation Rapture View.
- Bernavi, Eli, 1992, *A Historical Atlas Of The Jewish People: From the time of the patriarchs to the present*, Hutchinson press, London.
- Ceroke, C.P., 2003, "Parousia" in: *New Catholic Encyclopedia*, Bernard L. Marthaler (ed.), vol. 10, Usa: Thomsom Gal.
- Charles, R. H., 1963, *Eschatology, The Doctrine of a Future Life in Israel, Judaism and Christianity*, New York: Schocken Books.
- Edwy Vine, William, "Tribulation" in *Vine's Expository Dictionary of New Testament Words*, 1940
- Gregg, Steve, ed., 1997, *Revelation: Four Views: A Parallel*

Commentary (Nashville, TN: Thomas Nelson(Publisher).

- Hatch, E., 1957, *The Influence of Greek Ideas on Christianity*, New York: Harper Torchbooks.
- La Due, William J., *The Trinity Guide to Eschatology*, New York: Continuum, 2004.
- Lahaye, Timothy and Ice, Thomas, 2001, *Charting the End Times: A Visual Guide to Understanding Bible Prophecy*, (Tim LaHaye Prophecy Library(TM)) Harvest House Publishers.
- Malachy, Yona, 2007, *Zionism in: Encycolopedia judaica*, vol.21, Jerusalem: Keter Publishing House Ltd.
- Mcgrath, Alister E., 1998, *Reformation Thought, An Introduction*, Blackwell, Oxford, UK&Cambridge USA.
- Montalbano, F. J., 2003, "*War (IN THE BIBLE)*" in *New Catholic Encyclopedia*, New York, Published by Gale, vol.14.
- Raskas, Bernard Solomon, 2001, *Seasons of the mind*, U.S.A, Lerner Publications Company.
- Ringgren, Helmer, 1987, "*Messianism: an Overview*", in *Encyclopedia of Religion*, Ed by: Mircea Eliade, New York, Macmillan publishing company, Vol.9.
- Rodrigues, M., 2003, "*Antichrist*" in *New Catholic Encyclopedia*, New york, Published by Gale, , vol. 1 .
- Roth, Cecil, 2007, *Judaizers in: Encycolopedia judaica*, vol. 11, Jerusalem: Keter Publishing House Ltd.
- Smith, Uriah, 1897, *Daniel and Revelation*, Southern Publishing Association, Battle Creek, Mich, U.S.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی